

## طريقة استنباط الأحكام الفقهية لفقهِ النَّوَازِل (وفقاً لمبنى الإمامية وأهل السُّنَّة)

اسدالله رضايى\*

[ تاريخ الاستلام ١٣٩٩/٠٤/١٨ تاريخ القبول ١٣٩٩/١٠/١٣ هـ ق ]

ملخص القول

المسائل المستحدثة أو النوازل، منطلق لتحديث الأحكام الشرعية، وهى ناجمة عن تحولات الزمان والظروف السائدة فى المجتمع، والتي يعود تاريخها نوعاً ما الى زمان رسول الله (ص). نظراً الى أن المسائل الفقهية المستحدثة، تفتقر الى دليل واضح، فهى تتطلب طريقة استنباط تختلف عن طريقة الاستنباط فى المسائل غير المستحدثة؛ ومن هنا فإن الفقيه الإمامي، وفى ضوء مجموعة من الملاحظات الأساسية، وهى تعيين الموضوع، وادراك اهمية ومدى سعة النوازل، وتشخيص دور الزمان والمكان، ووصف القضايا الشرعية بالحقيقية، تجرى أولاً مطابقة العناوين والعمومات الأولية مع النوازل عن طريق تنقيح المناط، والغاء خصوصية الحالة، والاستدلال بالأولوية العرفية، وتناسب الحكم والموضوع. إن تطبيق القواعد الفقهية الأولية ثم تطبيق العناوين الفقهية الثانوية على النوازل والمسائل المستحدثة، تمثل على التوالى المرحلتين الثانية والثالثة من عمل الفقيه الإمامي. أما بالنسبة الى فقهاء أهل السُّنَّة فهم يتبعون ثلاثة مناهج وهى: التضييق، والتسهيل، والاعتدال — ومنهج الاعتدال هو الأكثر سعةً وشيوعاً — لاستخراج حكم النوازل، عن طريق اتباع أساليب القياس، والمصالح المرسله، والاستحسان، والعرف والعادة. وهذا يعنى أن أهل السُّنَّة تتوفر لديهم أدوات أكثر وهو ما يتيح لهم مجالاً أوسع وخالياً من المصاعب..

كلمات مفتاحية: النوازل، فقه النَّوَازِل، المسائل المستحدثة، طريقة الاستنباط.

## تحلیل و بررسی روش استنباط احکام فقهی فقه النوازل (بر مبنای امامیه و اهل سنت)

اسدالله رضایی\*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳]

### چکیده

مسائل مستحدثه یا نوازل، خاستگاه به‌روزرسانی احکام شرعی ناشی از تحولات زمان و شرایط حاکم بر جامعه‌اند که پیشینه آن به‌نوعی به‌زمان رسول خدا(ص) بازمی‌گردد. نوازل فقهی بدان جهت که فاقد دلیل مشخص‌اند، به روش استنباطی متفاوت با مسائل غیر نوازل نیاز دارند؛ از این رو، فقیه امامی با توجه به چند نکته اساسی، یعنی موضوع‌شناسی، درک اهمیت و گستره نوازل، تشخیص نقش زمان و مکان و حقیقی خواندن قضایای شرعی، نخست تطبیق عناوین و عمومات اولیه را با نوازل از طریق تنقیح مناط، الغای خصوصیت مورد، استدلال به اولویت عرفی و مناسبت حکم و موضوع پی می‌گیرد. تطبیق قواعد اولیه فقهی و آنگاه تطبیق عناوین ثانوی فقهی بر نوازل و مسائل مستحدثه، به‌ترتیب مرحله دوم و سوم کار فقیه امامی به‌شمار می‌روند. فقهای اهل سنت با داشتن سه منهج تضییق، تسهیل و اعتدال — که روش اعتدال‌گرایی طرفداران بیشتری دارد — برای استخراج حکم نوازل، عمدتاً از قیاس، مصالح مرسله، استحسان، عرف و عادت بهره می‌گیرند. از این رو اهل سنت با داشتن ابزار بیشتر، از عملکرد وسیع‌تر و بی‌دردسرتری برخوردارند.

کلیدواژه‌ها: نوازل، فقه النوازل، مسائل مستحدثه، روش استنباط.

## مقدمه

در پی گسترش نیازهای بشر از یک‌سو و دانش‌های وابسته به آنها از دیگر سو، معمولاً عناوین مباحث نیز دچار تحول شده، لباسی جدید را بر تن می‌کنند. بر اساس آیه شریفه «وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يَرَى»،<sup>۱</sup> گویا این ویژگی ذاتی موجودی به نام انسان است که هرچه تلاش کند دستاوردهای جدیدتر و تازه‌تری را به ارمغان می‌آورد. این دستاوردها، به همان میزانی که ایجادشان هزینه دارد و جهد و تلاش اهل فن را می‌طلبد، حکم فقهی و حقوقی‌شان نیز سعی گروه دیگری از متخصصان را نیاز دارد. یکی از عناوین جدید و رو به گسترش فقهی، «مسائل مُستحدثه» یا «فقه النوازل» است که به همراه هر پدیده جدید آفریده می‌شود. از این رو کار فقیهان اسلامی که احکام تکلیفی و حقوقی مسلمانان را از متون دینی استخراج می‌کنند، بی‌وقفه در حال تحول و نیازمند اجتهاد آنان است.

بحث فقه النوازل به همان مقدار که به طور بی‌سابقه مورد ابتلای زندگی روزمره است، حساسیت و دشواری نسبی نیز دارد. تلاش وافر، مرور چندین باره منابع، بررسی تطبیق قواعد متعدد و بازخوانی احتمالات و سرانجام تصمیم‌گیری، روندی است که فقیه پشت سر می‌گذارد. برای اینکه بتوان ضمن درک اهمیت کار مجتهد و شناخت موارد نوازل، با نمونه‌هایی از فقه النوازل آشنا شد، مطالبی به شرح زیر ارائه می‌شود:

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱-۱. اصطلاح فقه النوازل

واژه «فقه» معنای ادراک و فهم را می‌دهد.<sup>۲</sup> کلمه «نَوَازِل» جمع «نازله» و مؤنث اسم فاعل «نازل» است؛ نازله مصیبت و دشواری روزگار است که بر مردم وارد می‌شود.<sup>۳</sup>

۱. نجم: ۴۰.

۲. ابن‌فارس، ترتیب مقایس اللغه، ص ۷۹۰.

۳. ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۱۱۳.

ریشه اصلی آن «نَزَلَ» به معنای فرو آمدن از بالا به پایین است.<sup>۱</sup> در این بحث نیز به معنای واقعه و حادثه‌ای جدید است که شاید به اعتبار اینکه حکم شرعی واقعه جدید معلوم نیست و در ابتدا بر مردم دشوار می‌نماید، نازله گفته شده است.

در میان علمای پیشین تعریفی برای این اصطلاح دیده نمی‌شود. ابن تیمیه ضمن اینکه قنوت خواندن پیامبر در نماز را تنها هنگام حادثه می‌داند، «نوازل» را به حوادث تلخ و سختی‌های عمومی معنا می‌کند.<sup>۲</sup> محتوای مباحث شاگرد او، که فراوان از اصطلاح «نوازل» استفاده می‌کند، نشان می‌دهد که او نیز نوازل را به معنای مسائل جدیدی که حکمش روشن نیست، به کار می‌برد. وی قنوت در نماز ابابکر در جنگ مسیلمه کذاب و اهل کتاب و قنوت علی (ع) در جنگ با معاویه را، به خاطر دشوار بودنش، نوازل می‌شمارد.<sup>۳</sup>

در میان متأخران نیز هنوز تعریف اصطلاحی جامع برای نوازل شکل نگرفته است؛<sup>۴</sup> اما می‌توان ادعا کرد که شیخ شلتوت، که عنوان کتابش را *الفتاوی دراسته لمشکلات المسلم المعاصر في حياته اليومية العامة* قرار می‌دهد، نوعی توجه به تعریف نوازل داشته است.

برخی با توجه به عنصر «دشوار» بودن، چنین تعریفی از نوازل ارائه می‌دهند: «و هي عبارة عن مشكلات معاصرة تتميز بالتعقيد و التشابك، تعترض المسلم في حياته اليومية فيتصدى لها العلماء المجتهدون ببيان حكمها الشرعي، بناء على قواعد و أصول الشريعة الإسلامية».<sup>۵</sup>

بنابراین با توجه به ریشه لغوی نازله می‌توان گفت که نوازل عبارت‌اند از مجموعه حوادث جدیدی که در بدو نظر، حکم شرعی‌اش برای مردم نوعی دشواری ایجاد

۱. همان، ص ۱۱۱.

۲. ابن تیمیه، *زيارة القبور الاستنجد بالمقبور*، ص ۶۶.

۳. ابن قیم، *زاد المعاد في هدي خير العباد*، ج ۱، ص ۲۸۵.

۴. حمیش، «المدخل إلي فقه النوازل»، ص ۵.

۵. همان.

می‌کند. بالفعل بودن (خیالی نبودن)، مُلَحَّه بودن (خواهان پاسخ در نزدیک‌ترین زمان ممکن) و جدید بودن واقعه از ویژگی‌های نوازل به شمار می‌روند.<sup>۱</sup>

حنفی‌ها برای این اصطلاح تعریف درون‌مذهبی نیز ارائه می‌دهند: «يُطَلَّقُ عَلَيَّ الْفَتَاوَيِ وَ الْمَسَائِلِ الَّتِي إِسْتَنْبَطَهَا الْمُجْتَهِدُونَ الْمُتَأَخَّرُونَ فِي الْمَذَاهِبِ وَ لَمْ يَجِدُوا فِيهَا شَيْئاً عَنِ أَهْلِ الْمَذْهَبِ الْمُتَقَدِّمُونَ مِنْ أَصْحَابِ أَبِي حَنِيفَةَ».<sup>۲</sup> آنان می‌افزایند که اگر نازله و حوادث تلخی بر مسلمانان وارد شود، جایز است امام جماعت در نمازهای جهری قنوت بخواند و برای رفع آن دعا کند؛<sup>۳</sup> چنانکه همواره رسول خدا(ص)، سپس ابابکر و عمر و علی (ع) در جنگ‌ها و شدائد قنوت می‌خواندند و در آن برای رفع سختی‌ها دعا می‌کردند.<sup>۴</sup>

#### ۱-۲. اصطلاح مسائل مستحدته

«مسائل» جمع مسئله، از ریشه سؤال به معنای طلب حاجت و نیاز است.<sup>۵</sup> حدّث که مستحدّته از آن گرفته شده، ایجاد شیء بعد از نبودن،<sup>۶</sup> یا ضد قدیم<sup>۷</sup> را معنا می‌دهد و «مُستحدّث» در لغت به معنای خلاف اقامت و پایدار بودن است؛<sup>۸</sup> می‌توان گفت: مستحدّته یعنی پدیده جدید و نوظهور.

مسائل مستحدّته در اصطلاح فقهی نیز عبارت است از: «المسائلُ الَّتِي لَمْ تَقْعْ مِنْ قَبْلِ وَ الَّتِي يَبْحَثُ الْعُلَمَاءُ حُكْمَهَا الشَّرْعِيَّ لِيُعْرِفَ الْمَسْلُومُونَ كَيْفَ يَتَصَرَّفُونَ تَجَاهَهَا»<sup>۹</sup> یا «كُلُّ مَوْضُوعٍ يَتَطَلَّبُ حُكْمًا شَرْعِيًّا سِوَاءَ لَمْ يَكُنْ فِي السَّابِقِ أَوْ كَانَ سَابِقًا لَكِنْ تَغْيَّرَ بَعْضُ

۱. ابوملیح محمد، بحوث ندوة فقه النوازل و تجديد الفتوي، ص ۳۰۲.

۲. همان.

۳. ابن نجيم، بحر الرائق شرح كنز الدقائق، ج ۲، ص ۴۸.

۴. ابن نجيم، الاشباه والنظائر، ص ۳۳۱.

۵. قلعه جي، معجم لغة الفقهاء، ص ۴۲۵.

۶. ابن فارس، ترتيب مقاييس اللغة، ص ۲۱۲.

۷. جوهری، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، ج ۱، ص ۲۷۸.

۸. جوهری، همان، ج ۴، ص ۱۳۴۹.

۹. موسوی، محمد، منهج الفقه الاسلامي في المسائل المستحدّته، ص ۶۷.

قیوده»<sup>۱</sup>. به نظر می‌رسد تعریف دوم کامل‌تر است؛ زیرا هم فشرده‌تر است و هم برخی موضوعاتی را شامل می‌شود که از قبل وجود داشته‌اند و از نظر شرایط دچار تحول شده‌اند.

میان اهل سنت تعبیر فقه النوازل رایج است؛ اما گاهی از آن به «فقه مستحدثه»، «فقه جدید»، «فقه الواقع»، «القضایا مستجدّه»،<sup>۲</sup> «النوازل المستجدّه»،<sup>۳</sup> «الفتاوی»، «الفتاوی المعاصره»، «المسائل أو الاسئله»، «المشكلات» و «المستجدات و الحوادث»<sup>۴</sup> یاد می‌شود. در میان فقهای امامیه نیز معمولاً تعبیر «مسائل المستحدثه» و در فارسی «مسائل جدید» شایع است؛ هرچند گاهی موضوع جدید و مورد بحث، مضاف‌الیه «فقه» واقع می‌شود، مانند «فقه الحیات» و «فقه البنوک». از این رو در این تحقیق به لحاظ انعکاس دیدگاه دو گرایش، فقه النوازل به جای مسائل المستحدثه یا برعکس به کار می‌رود؛ زیرا هر دو اصطلاح یک معنا را ارائه می‌دهند و در هر دو ویژگی‌های «جدید» و «نیازمند حکم شرعی» بودن نهفته است.

### ۳-۱. تفاوت فتاوا و نوازل

تفاوت فتاوا با نوازل یا مسائل چیست؟ هرچند از نظر ریشه لغوی با هم متفاوت‌اند، در اصطلاح به گونه‌ای همسو هستند، جز اینکه نوازل به حدوث و وقوع اختصاص دارد و از این جهت نوازل اخص از فتاوا و مسائل است؛ زیرا فتاوا عنوانی است در پاسخ سؤال، خواه آن سؤال حادث شده باشد یا نه.<sup>۵</sup> به عبارت دیگر، فتوا اسم است برای «أفتی» به معنای تبیین حکم از سوی عالم<sup>۶</sup> و در اصطلاح، عبارت است از:

۱. مکارم شیرازی، بحوث فقهیه هامه، ص ۲۳۳.

۲. ابن محمد، بکربن عبدالله، فقه النوازل، ج ۱، ص ۲۳۹.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۰.

۴. حمیش، المدخل إلی فقه النوازل، ص ۷-۶.

۵. همان، ص ۷.

۶. فیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۲، ص ۴۲۶.

«حکمی شرعی که مجتهد آن را به‌عنوان نظر و رأی خود اظهار می‌کند».<sup>۱</sup> مسائل جمع «مسئله»، به معنای سؤال از نیاز، عبارت است از مطالبی که مورد استدلال و برهان علمی واقع شده است.<sup>۲</sup> به همین جهت، فتاوا و مسائل عام‌تر از نوازل‌اند. معمولاً واژه «جدید» یا «مُستَحَدَث» پسوند فتاوا و مسائل قرار می‌گیرد.

## ۲. اهمیت بررسی فقه النوازل

اهل سنت و امامیه اتفاق دارند که واکاوی و اجتهاد درباره نوازل، مانند اصل اجتهاد، تکلیف کفایی است؛<sup>۳</sup> هرچند در شرایط خاص تکلیف عینی شدنش را نباید از نظر دور داشت. اهمیت توجه به مسائل مستحدثه و جایگاهش در پژوهش‌های فقهی و حقوقی فرصتی دیگر را می‌طلبد؛ اما در اینجا به قدر ضرورت به نکات کلیدی اشاره می‌شود:

### ۲-۱. کامل بودن شریعت اسلام

شکی نیست که قانون تحول‌پذیری عالم و دگرگونی مظاهر و پدیده‌های آن، مستقیماً زندگی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حوادث بسیار بزرگ یا کوچک، ظهور پدیده‌های علمی بی‌سابقه — چون رصد کردن ماه با تلسکوپ، معاملات الکترونیکی و اینترنتی، کاشت و تلقیح نطفه در رحم — و باز شدن افق‌های جدید — مانند اقامت مسلمانان در سرزمین‌های دارای شش ماه شب و شش ماه روز، حضور در کره ماه — تمام شرایط حاکم بر حیات انسان، حتی فعالیت بدن، را دگرگون می‌سازند. همچنین اموری که در اثر تحول علمی، شرایط دیگری بر آنها حاکم شده، موضع‌گیری جدیدی را برای مسلمانان ایجاب می‌کنند.<sup>۴</sup> در این میان تکالیف دینی و واجبات شرعی برای مسلمانان از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ زیرا ظهور پدیده‌های جدید و حاکم

۱. هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، ج ۵، ص ۴۵۴.

۲. هلال هیثم، معجم مصطلح الاصول، ص ۲۳۲.

۳. مشیقح، فقه النوازل، ص ۱.

۴. مکارم شیرازی، بحوث فقهیه هامة، ص ۲۳۴.

شدن شرایط نو، به هر میزان که اتفاق بیفتد، به همان اندازه سؤالات تازه‌تر و بی‌سابقه‌تری را در برابر انسان ایجاد می‌کند. دینی می‌تواند از عهده پاسخ به سؤالاتی نو برآید که استعداد ذاتی و ظرفیت‌های فوق‌العاده بالایی داشته باشد و برای هر زمان و مکان و شرایط و حوادث خاصی جوابی قانع‌کننده و خردپسند ارائه دهد.<sup>۱</sup>

دین اسلام که واپسین دین الهی است، به حکم آیات شریفه ۸۹ نحل و ۵۹ انعام، و نیز سخن صحابی نامدار، اباذر غفاری که «تَرَکْنَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) وَ مَا طَائِرٌ يُقَلِّبُ جَنَاحِيهِ فِي الْهَوَاءِ إِلَّا ذَكَرَ لَنَا مِنْهُ عِلْمًا»<sup>۲</sup>، کامل‌ترین آیین است و برای همه سؤالات پاسخ‌هایی دارد و این فقیه متبحر است که با تلاش بی‌وقفه خویش، باید جواب‌ها را از متون دین استخراج کند و مکلف را از بلا تکلیفی نجات دهد. بنابراین بررسی مسائل جدید، گذشته از اینکه وظیفه مجتهد به شمار می‌رود، پویایی و پاسخ‌گویی دین اسلام را به تصویر می‌کشد و دستورات آن را در ریزترین مسائل روزمره زندگی جاری می‌سازد. کوچک‌ترین کوتاهی در این عرصه و ارائه ندادن پاسخ‌های کارآمد، نه تنها دین را به انزوا می‌راند، بلکه آن را با کاستی و ناتمامی روبه‌رو می‌سازد.

## ۲-۲. علم‌افزایی

سفارش به دانش‌افزایی و رشد علمی در سطوح مختلف از ویژگی‌های بازار اسلام است؛ آیاتی چون ۱۱۴ طه، ۹ زمر و ۱۱ مجادله حاکی از توجه ویژه دین به دانش‌اند. بی‌تردید یکی از دانش‌های راهبردی، علم به نوازل و استخراج احکام آن از متون است و این کار، همان‌گونه که آیات الهی نشان می‌دهند، هم اجابت به آرمان‌های رسول خدا(ص) است و هم به برتری درجات صاحبان علم و سرانجام به توانمندی دین در برابر حوادث منتهی می‌شود.

۱. مشیقح، فقه النوازل، ص ۱؛ موسوی، محمد، منهج الفقه الاسلامی فی المسائل المستحدثه، ص ۷۰.

۲. هندی، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۴۲۳، ح ۳۵۴۷۸.



## ۳-۲. رسالت دینی

دفاع از دین و آموزه‌های آن تکلیف آحاد مسلمانان است؛ اما در خصوص نوازل، از آنجا که در توان همگان نیست، این رسالت بر عهده اهل فن و فقهای اسلامی قرار گرفته است تا برای همه حوادث پاسخ درست و هماهنگ با شرع مقدس ارائه دهند و دین را از توهّم ناکارآمدی خارج سازند.<sup>۱</sup>

## ۳. پیشینه فقه النوازل

خلق مسائل جدید محدود به زمانی خاص نیست، بلکه در هر زمان با توجه به شرایط زمانی و مکانی، نوازل خلق می‌شوند؛ با این تفاوت که زبان، نحوه بیان و سادگی و پیچیدگی آنها در زمان‌های مختلف متفاوت است. بنابراین از آنجا که شارع مقدس احکام اسلامی را به تدریج و همگام با نیازهای روز، وضع و تبیین کرده، مسائل مستحدثه حتی در زمان رسول خدا (ص) وجود داشته است. سؤالات مطرح شده در حضور آن حضرت و پاسخ‌های او با کمک وحی، شاهد بر این مدعا است. بارزترین نمونه این کار، تأیید گفته‌های معاذ بن جبل از سوی پیامبر است. وقتی پیامبر معاذ بن جبل، صحابی معروفش، را به نمایندگی خویش به ملک یمن فرستاد، پس از سفارش‌های لازم از او پرسید: «بر چه اساس قضاوت می‌کنی؟». او گفت: «به کتاب خدا؛ اگر در کتاب خدا نیافتم، به آیین و روش پیامبر (سنت) و اگر در آن نیافتم برابر نظر خود (اجتهاد از قرآن و سنت) دادرسی می‌کنم». حضرت با خرسندی تمام فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَفَّقَ رَسُولَ اللَّهِ لِمَا يَرْضَى رَسُولُ اللَّهِ».<sup>۲</sup> تأیید پیامبر (ص) به خوبی نشان می‌دهد که آیین اسلام از ظرفیت‌های بالایی برای پاسخ‌گویی به نوازل برخوردار است.

پس از پیامبر (ص)، حوادث جدید دامنگیر ابوبکر شد و او به عنوان جانشین حضرت، مورد پرسش قرار می‌گرفت. نقل است که وقتی مسائل جدید از او پرسیده می‌شد، ابتدا حکم آن را در کتاب و سنت جست‌وجو می‌کرد و اگر نمی‌یافت درباره آن

۱. مشیقح، فقه النوازل، ص ۲.

۲. ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۴۸-۳۴۹.

اجتهاد می‌کرد و می‌گفت: «این رأی من است، اگر بحق باشد از خداوند است و اگر اشتباه باشد از آن من».<sup>۱</sup>

گاهی حتی پرسش‌های جدید به نوعی آنان را دچار مشکل می‌کرد. جمله تاریخی عمر بن خطاب درباره علی (ع) که «لَوْلَا عَلِيٌّ لَهَكَ عَمْرٌ»، ناشی از ناتوانی او در پاسخ به مسائل جدید بود؛ او وقتی با تذکر علی (ع) به اشتباه خود در حکم به رجم زن مجنون و وضع حمل در شش ماه پی برد، این جمله را به زبان جاری کرد.<sup>۲</sup> ابن‌قیم که در مباحث نوازل از دیگران پیشی دارد، می‌نویسد:

و قد كان أصحاب رسول الله (ص) يجتهدون في النوازل و يقيسون بعض الأحكام على بعض و يعتبرون النظر بنظيره... و لما كان علي (رض)، باليمن أناه ثلاثة نفر يختصمون في غلام؛ فقال كل منهم: هو ابني. فأفرع عليٌّ بينهم، فجعل الولد للقارح و جعل عليه للرّجلين ثلثي الدية. فبلغ النبي (ص) فضحك حتى بدت نواجذه من قضاء علي (رض).<sup>۳</sup>

#### ۴. علل و اسباب نوازل

برای ایجاد نوازل می‌توان دو عامل مهم تصور کرد:

##### ۴-۱. تحولات علمی و صنعتی

تردیدی نیست که هر تحولی که در اثر پیشرفت دانش بشری رخ می‌دهد، فرهنگ و انعکاس جانبی متعددی را با خود می‌آورد و رفتار جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شاید یکی از دغدغه‌های مهم متدینان جامعه این باشد که تکلیف شرعی آنان با دستاوردهای علمی و صنعتی عصر چیست. ذبح همزمان چندین حیوان با دستگاه، تلقیح و کشت نطفه، پیوند اعضا، شبیه‌سازی، تغییر جنسیت، ورود به فضا، حمل و نقل‌های هوایی و سریع و ده‌ها مسئله دیگر که در اثر پیشرفت‌های دانش بشری رخ

۱. بلاذری، *جمل انساب الاشراف*، ج ۱۰، ص ۶۸.

۲. ابن‌عبدالبر، *الاستیعاب*، ج ۳، ص ۱۱۰۳.

۳. الجوزیه، *اعلام الموقعین*، ج ۱، ص ۲۰۳.

نموده، نوازل و زائیده تطورات علم و صنعت محسوب می‌شوند. همچنین ایجاد بخش بزرگی از مسائل نو، حتی امکان زندگی در قطب‌ها و رفتن مسلمانان به سرزمین‌های دارای شش ماه شب و شش ماه روز، برخاسته از توسعه روابط مبتنی بر بسط علم است.

#### ۲-۴. سهل‌انگاری در التزامات امور دینی

بخش از مسائل جدید هرچند در سطح نازل‌تر، ناشی از سهل‌انگاری و نداشتن التزام عملی به دستورات دین است. افراط در التذاذ و کامروایی، پرداختن غیر متعارف به تفریحات و سرگرمی‌ها، دنیازدگی مفرط و ده‌ها مشکل اجتماعی دیگر، که هر کدام بازتاب‌های شرعی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی دارد، زائیده بی‌مبالاتی در دین و ارزش‌های دینی است. اعتیاد به مواد مختلف توهم‌زا، روان‌گردان و شوک‌آور، که معمولاً با یک شوخی و سهل‌انگاری و توکل نکردن به خدا آغاز می‌شود، اولاً پدیده‌ای است نازله و مصیبت‌بار و ثانیاً مسائل جدید حقوقی را به بار می‌آورد که نیازمند پاسخ شرعی هستند: معتاد حکم مریض را دارد یا نه؟ در صورت ارتکاب جرم، مثل سرقت، حکم مجرم را پیدا می‌کند یا خیر؟ میان آنها و همسرانشان، خودبه‌خود جدایی می‌افتد یا نیاز به طلاق است؟ با وجود اینکه آنها احساس و حمیت خانوادگی و شهامت مردانگی خویش را از دست می‌دهند، تکلیف حکومت و حاکم شرع چیست؟

#### ۵. گستره فقه النوازل

همان‌گونه که اشاره شد، موضوعات و قلمرو فقه نوازل یا مسائل مستحدثه در هر زمان و مکان متفاوت است؛ ولی تردیدی نیست که در هر زمان و در هر موضوعی، فراوان چنین مسائلی مطرح می‌شود. به ترتیب اهمیت، به چند نمونه از مسائل مهمی که در شرایط فعلی، به شدت احکام فقهی را می‌طلبند، اشاره می‌شود:

## ۱-۵. مسائل پزشکی

کالبدشکافی و تشریح جسد میت جهت مهارت‌زایی دانشجویان پزشکی،<sup>۱</sup> پیوند اعضا،<sup>۲</sup> تلقیح مصنوعی به انواع مختلف آن،<sup>۳</sup> تزریق خون کافر در مسلمان، مرد در زن و برعکس و خرید و فروش آن،<sup>۴</sup> کنترل جمعیت با شیوه‌های گوناگون آن<sup>۵</sup> و تنافی آن با حدیث پیامبر (ص) که «تَزَوَّجُوا فَإِنِّي مُكَاتِرٌ بِكُمْ الْأُمَمَ غَدًا فِي الْقِيَامَةِ حَتَّىٰ إِنَّ السَّقَطَ لَيَجِيءُ مُحْبَبْتًا عَلَىٰ بَابِ الْجَنَّةِ فَيُقَالُ لَهُ ادْخُلِ الْجَنَّةَ فَيَقُولُ لَا حَتَّىٰ يَدْخُلَ أَبُوَايَ الْجَنَّةَ قَبْلِي»،<sup>۶</sup> سقط جنین،<sup>۷</sup> تغییر جنسیت مرد به زن و برعکس،<sup>۸</sup> منجمد کردن مرض‌های صعب‌العلاج به امید درمان در آینده،<sup>۹</sup> ده‌ها مسئله دیگر مانند شبیه‌سازی، سلول بنیادی، کنترل درون خانه‌های مردم با دوربین مخفی و شنود مکالمات مردم از نوازل‌اند که تبیین احکام فقهی آنها نیازمند به پژوهش و تلاش وافر و جدی است.

## ۲-۵. مسائل جدید و نوازل معاملاتی

مالیات اوراق اعتباری و پول نقد و زکات بر طلا و نقره،<sup>۱۰</sup> خرید و فروش سفته و چک و اوراق تضمینی به عنوان «کمبیالات» یا «شر خرید»،<sup>۱۱</sup> خرید و فروش حواله به

- 
۱. ابن محمد، فقه النوازل، ج ۱، ص ۲۴۳؛ ج ۲، ص ۱۷-۹؛ مشیقح، فقه النوازل في العبادات، بخش ۱، ص ۶۱.
  ۲. مکارم شیرازی، بحوث فقهیه هامة، ص ۲۳۸؛ موسوی، محمد، منهج الفقه الاسلامي في المسائل المستحدثة، ص ۳۳۹؛ روحانی، المسائل المستحدثة، ص ۱۲۳-۱۳۰.
  ۳. ابن محمد، فقه النوازل، ج ۱، ص ۲۶۳-۲۶۹؛ روحانی، المسائل المستحدثة، ص ۱۸-۹.
  ۴. موسوی، محمد، منهج الفقه الاسلامي في المسائل المستحدثة، ص ۳۴۷.
  ۵. ابن محمد، فقه النوازل، ج ۱، ص ۲۳۹.
  ۶. صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۸۳، ح ۴۳۴۴.
  ۷. مکارم شیرازی، بحوث فقهیه هامة، ص ۲۳۹؛ موسوی، محمد، منهج الفقه الاسلامي في المسائل المستحدثة، ص ۳۴۳.
  ۸. موسوی محمد، منهج الفقه الاسلامي في المسائل المستحدثة، ص ۳۴۳.
  ۹. همان، ص ۲۴۰.
  ۱۰. روحانی، المسائل المستحدثة، ص ۳۱-۴۰؛ مشیقح، فقه النوازل في العبادات، بخش ۲، ص ۱۲-۲.
  ۱۱. روحانی، المسائل المستحدثة، ص ۴۳-۵۱.

صورت قرضه با مبلغ زاید در ضمن شرط،<sup>۱</sup> بیع یا اجاره بودن سرقفلی،<sup>۲</sup> قرض یا امانت بودن یا نوع سوم از معاملات سپرده‌های مردم نزد بانک‌ها و حکم تصرف بانک در آنها،<sup>۳</sup> قراردادهای تلفنی و اینترنتی که طرفین معامله همدیگر را نمی‌بینند،<sup>۴</sup> قابل خرید و فروش بودن حق تألیف و اختراع و اکتشاف، حق علامت تجاری، حق اسم تجاری، حق امتیاز نشر اخبار و حقوق معنوی،<sup>۵</sup> نجاست و عدم نجاست الکل‌های صنعتی<sup>۶</sup> از موارد نازله محسوب می‌شوند.

### ۳-۵. مسائل جدید عبادات

روزه و نماز فرد مسلمان بر اثر مهاجرت در مناطق قطبی دارای شش ماه شب و شش ماه روز یا برخی مناطق که روزهایش ۲۰ ساعت به طول می‌انجامد،<sup>۷</sup> نماز در سفرهای فضایی در صورت ممکن نبودن تشخیص زمان، نماز در هواپیما به دلیل مشخص نبودن قبله،<sup>۸</sup> استفاده از مواد مقوی و غذایی در ماه مبارک رمضان از طریق تزریق،<sup>۹</sup> رؤیت هلال با تلسکوپ و دوربین و طی کردن مسافت شرعی برای قصر نماز و افطار صوم به صورت عمودی<sup>۱۰</sup> جزء نوازل به شمار می‌روند.

---

۱ همان، ص ۵۶.

۲. مکارم شیرازی، بحوث فقهیه هامة، ص ۲۴۲؛ روحانی، المسائل المستحدثة، ص ۴۳-۵۱.

۳. روحانی، المسائل المستحدثة، ص ۶۵-۶۱؛ موسوی، محمد، منهج الفقه الاسلامي في المسائل المستحدثة، ص ۳۴۵.

۴. مکارم شیرازی، بحوث فقهیه هامة، ص ۲۴۳.

۵. همان؛ ابن محمد، فقه النوازل، ج ۲، ص ۱۲۲ و ۱۷۷؛ مشیقح، فقه النوازل في العبادات، بخش ۲، ص ۵۶-۵۵.

۶. روحانی، المسائل المستحدثة، ص ۲۰۱-۲۱۳.

۷. موسوی، محمد، منهج الفقه الاسلامي في المسائل المستحدثة، ص ۳۴۸؛ روحانی، المسائل المستحدثة، ص ۱۷۷-۱۸۰.

۸. مشیقح، فقه النوازل، بخش ۱، ص ۳۹.

۹. مکارم شیرازی، بحوث فقهیه هامة، ص ۲۴۰؛ موسوی، محمد، منهج الفقه الاسلامي في المسائل المستحدثة، ص ۳۴۸.

۱۰. مکارم شیرازی، بحوث فقهیه هامة، ص ۲۳۲.

#### ۵-۴. مسائل جدید متفرقه

تخریب منازل مردم، مساجد و قبور مسلمانان جهت بازگشایی یا تعریض خیابان‌ها توسط شهرداری و حکم شرعی عبور و توقف مردم در آن مکان‌ها،<sup>۱</sup> ضمانت و عدم ضمانت جانی در خسارت‌هایی که بیش از مقدار پرداختی بیمه‌ها است،<sup>۲</sup> حکم ذبح حیوان با ابزار جدید و روش غیر متعارف مانند قرار دادن چندین حیوان در یک ردیف و سر بریدن همزمان آنها با دستگاه خاص،<sup>۳</sup> حکم عمد یا شبه عمد داشتن جراحات و قطع عضوها در تصادفات رانندگی<sup>۴</sup> از مسائل جدید متفرقه هستند.

علاوه بر موارد فوق نوازل سیاسی نیز در برخی مقالات پژوهشگران عرب به چشم می‌خورد.

#### ۶. روش بررسی و استنباط مسائل مستحدثه در امامیه

با روشن شدن قلمرو و موضوعات فقه نوازل، چگونگی بررسی و استخراج مسائل جدید و فرایندی که مجتهد و کارشناس فقهی و حقوقی باید طی کند، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد؛ زیرا مسائل جدید به لحاظ جدید بودن، فاقد نصّ و دلیل خاص‌اند<sup>۵</sup> و قبل از وقوع آن در منابع فقهی تحلیل و بررسی نشده‌اند. از این رو فقیه باید برای به دست آوردن حکم فقهی آنها روشمندانه‌تر و کارآمدتر عمل کند تا بتواند به دستاوردهای موفقیت‌آمیز دست یابد.

#### ۶-۱. تشخیص موضوع

دسته‌بندی نوازل یا مستحدثت به اعتبار موضوع، از مقدمات لازم ورود به این مباحث است. اگر نوازل فقهی باشد باید مجتهد و فقیه آن را بررسی کند و اگر غیر

---

۱. روحانی، *المسائل المستحدثه*، ص ۸۹-۱۱۳؛ موسوی، محمد، *منهج الفقه الاسلامي في المسائل المستحدثه*، ص ۳۴۹.

۲. مکارم شیرازی، *بحوث فقهیه هامة*، ص ۲۴۴؛ هاشمی شاهرودی، *مقالات فقهیه*، ص ۱۳۹.

۳. هاشمی شاهرودی، *مقالات فقهیه*، ص ۹-۵۹؛ روحانی، *المسائل المستحدثه*، ص ۱۳۳-۱۴۱.

۴. روحانی، همان.

۵. روحانی، همان، ص ۲۴۵.

فقهی (اعتقادی) باشد باید به اهل و کارشناس همان فن واگذار شود؛ زیرا موضوع شرعی با حکمش ارتباط علی و معلولی دارد و هر جا علت تامه موجود باشد، بی‌تردید معلول را در پی خواهد داشت.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر، موضوعات شرعی به چند دسته قابل تقسیم‌اند. بخشی از موضوعات مستنبطه، شرعی محض است که «الماهیات الجعلیه» یا «الماهیات المخترعه» نام گرفته‌اند، مانند نماز، زکات، حج و خمس. ویژگی این دسته آن است که تعیین تمام شرایط و جزئیات آنها، فقط به مجتهد واگذار شده و مقلد باید به مجتهد مراجعه کند.

گروهی از موضوعات مستنبطه، هرچند عرفی‌اند، تشخیصشان موکول به مکلف نیست. مفهوم «غنا» عرفی است، ولی درباره اینکه صوت همراه ترجیع غنا است یا صوت فقط طرب‌آور، باید مجتهد تصمیم بگیرد و بر اساس دلیل، فتوا صادر کند.

دسته‌ای دیگر از موضوعات، کاملاً عرفی‌اند و تشخیصشان به عرف و مکلف واگذار شده و فقیه بر پایه تشخیص عرف، حکم صادر می‌کند؛ از این رو نقش عرف در معاملات امضایی (نه تأسیسی) به جهت اینکه مورد امضای شارع واقع شده، پررنگ‌تر از عبادات است. موالات میان اعمال وضو، مقدار جهر و اخفات در نماز، تشخیص غنم سائمه از غیر آن در زکات، همچنین تعیین موضوعات خارجی صرف (مثل اینکه این مایع آب است یا شراب) از مواردی است که تشخیصشان به عرف موکول شده و مجتهد به تشخیص آنان ارزش می‌بخشد و حکم می‌دهد.<sup>۲</sup>

قسمتی از موضوعات شرعی، حکومتی و ولایی‌اند، یعنی پیامبر(ص) و ائمه(ع) [به اعتقاد امامیه]، همان‌گونه که شخصیت تشریحی داشتند، از شخصیت حاکمیت و ولایت نیز برخوردار بودند. از این رو بخشی از احکام الهی به عنوان احکام ولایی صادر شده‌اند. چنین احکامی دائمی و ابدی نیستند و برای مصلحت عمومی جامعه صادر شده‌اند.<sup>۳</sup>

۱. موسوی، سید علی عباس، *فقه المسائل المستحثة*، ص ۳۲.

۲. همان، ص ۳۴.

۳. همان، ص ۴۶ و ۴۷.

#### ۲-۶. تعیین اهمیت نوازل

میزان اهمیت نوازل — که آیا جزء مسائل اساسی و بنیادین و مربوط به سرنوشت همه مسلمانان است یا از مسائل خرد — این امکان را می‌دهد که به ترتیب اهمیت به آنها پاسخ داده شود.

#### ۳-۶. میزان شمولیت نوازل

توجه به اینکه نوازل یا واقعه عمومی است یا موردی (مثل کشت نطفه در رحم زن) کمک خواهد کرد که نخست نازله عام البلوا، مانند سیستم خودپرداز بانکی و کسر شدن از موجودی صاحبان حساب بدون رضایت آنان، بررسی شود.

#### ۴-۶. جدید بودن نازله

نوازل به اعتبار اینکه نازله محض است و هیچ سابقه در گذشته ندارد — مانند پرورش نوزادان آزمایشگاهی در شیشه — یا دارای سابقه است ولی بر اثر تحولات و عوض شدن شرایط، نازله محسوب می‌شود<sup>۱</sup> — مثل فروش خون و اعضای بدن — جهت بحث را برای فقیه روشن می‌سازد.

#### ۵-۶. مبنای متفاوت

مبنای استخراج مسائل شرعی در امامیه و اهل سنت، همان‌گونه که در مسائل عادی متفاوت است در بخش نوازل نیز متمایز خواهد بود، به این معنا که امامیه خود را برای نیل به احکام شرعی به نصوص خاصه و عامه (آیات و روایات)، سپس به قواعد کلی برخاسته از دلیل معتبره ملزم می‌دانند. اهل سنت با توجه به مفهومی که برای اجتهاد قائل‌اند، علاوه بر قرآن و سنت، قیاس ظنی، استحسان، مصالح مرسله، سد ذرایع و عرف را نیز حجت می‌شمارند.<sup>۲</sup> آنان اجتهاد را در سه طریق خلاصه می‌کنند:

۱. مکارم شیرازی، بحوث فقهیه هامة، ص ۲۳۳-۲۳۴.

۲. همان، ص ۲۴۶.



- طریق اجتهاد بیانی: کشف و بیان احکام شرعی از طریق نصوص؛  
- طریق اجتهاد قیاسی: کشف احکامی که در کتاب و سنت موجود نیست، از طریق قیاس با آنچه در کتاب و سنت آمده است؛  
- طریق اجتهاد استصلاحی: کشف و بیان احکامی که در کتاب و سنت موجود نیست، از طریق رأیی مبتنی بر قاعده استصلاح؛<sup>۱</sup> برخی از آن به اجتهاد در مقابل نص یاد می‌کنند.<sup>۲</sup> فرمان عمر بن خطاب که «مُتَعَتَانِ كَانَا عَلَيَّ عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)، أَنَا أَنَهَيَّ عَنْهُمَا وَ أَعَاقِبُ عَلَيْهِمَا: مُتَعَةَ النِّسَاءِ وَ مُتَعَةَ الْحَجِّ»<sup>۳</sup> قسم سوم را پوشش می‌دهد. چنین تقسیمی برای اجتهاد در میان عموم اصولیان اهل سنت رایج نیست، اما از اینکه اجتهاد را به اجتهاد فردی (فرد در حیطه کتاب و سنت اجتهاد کند) و اجتهاد جماعی (که اهل علم و رأی حکم واقعه‌ای را که نصی ندارد، اجتهاد کنند) تقسیم می‌کنند،<sup>۴</sup> به نحوی می‌توان تقسیم سه‌گانه را استخراج کرد. با این حال، مبنای امامیه و اهل سنت در استنباط احکام نوازل با این ویژگی که اولاً بی‌سابقه است و ثانیاً هیچ نصی از شارع مقدس درباره آن در دست نیست، متفاوت خواهد بود.

#### ۶-۶. نقش زمان و مکان

در اینکه دو عنصر زمان و مکان در پویایی و تحول اجتهاد نقش آفرین‌اند، تردیدی نیست و همواره در عبارتهای بزرگان امامیه به کار رفته است؛ ولی مفهوم آن و نقشش در استخراج مسائل مستحدثه جای بحث است. در مجموع می‌توان سه مفهوم را از آن برداشت کرد که برخی نادرست و برخی صحیح و قابل قبول‌اند:

الف) مفهوم عرف‌پسند: فقیه در استنباط‌های فقهی خود تابع زمان و مکان باشد؛ مثلاً اگر معاملات ربّوی در زمانی پسندیده محسوب شد یا در مکانی تبرّج و بی‌ججایی حاکم شد، حکم به جواز آنها دهد. این مفهوم قطعاً غیر قابل قبول است و هیچ کس آن

۱. حکیم، محمدتقی، *الاصول العامة للفقهاء المقارن*، ص ۵۶۹؛ مکارم شیرازی، *بحوث فقهیه هامه*، ص ۲۴۷.

۲. همان.

۳. هندی، *کنز العمال* ج ۱۶، ص ۵۱۹، ح ۴۵۷۱۵.

۴. موسی حسین، *الاجتهاد فی الشریعة الاسلامیه*، ص ۲۷.

را نخواهد پذیرفت.

ب) تغییر حکم به تبع تحول موضوع: احکامی که شارع مقدس تکلیف کرده مانند وجوب نماز، روزه، زکات و خمس، با توجه به حدیث معروف «وَأَنَّ حَلَالَ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامَهُ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»<sup>۱</sup> در هیچ زمان و مکان و شرایطی دچار تحول نمی‌شود. اما حکم موضوعاتی که تشخیصشان به عرف واگذار شده، به لحاظ اینکه همواره در حال تحول‌اند، به تبع تغییر موضوع متحول می‌شود؛<sup>۲</sup> زیرا قوام‌بخش هر حکم سه عنصر حکم، موضوع و متعلق است و با ایجاد دگرگونی در موضوع، حکم آن نیز دچار تغییر می‌شود و زمان و مکان در تحول موضوع بی‌دخالت نیستند. بر این اساس، برف در زمستان (زمان) هیچ ارزش مالی ندارد، اما در تابستان ارزش بسیار پیدا می‌کند؛ چنانکه آب برای ساکنان کنار دریا (مکان) ارزش مالی چندانی ندارد، ولی برای بیابان‌نشینان بی‌نهایت ارزشمند است.<sup>۳</sup>

به عبارت دیگر، تغییر موضوع ممکن است به یکی از سه صورت اتفاق بیفتد: ۱. ماهیت عرفی موضوع، صددرصد دچار تحول می‌شود؛ نمک شدن سگ در نمکزار معروف‌ترین مصداق این مورد است؛<sup>۴</sup> ۲. برخی اوصاف ظاهری یک موضوع جای خود را به اوصاف موضوع دیگر می‌دهد، مانند تبدیل شراب به سرکه؛<sup>۵</sup> ۳. اوصاف اعتباری، ارزشی و معنوی یک موضوع دچار تحول می‌شود. برای نمونه، خون در گذشته به لحاظ اینکه ارزش مالی نداشت، حرام بود، ولی امروزه نه‌تنها ارزش مالی یافته، بلکه نجات‌بخش جان افراد نیازمند به شمار می‌رود و خرید و فروشش بی‌اشکال است. فروش اعضای بدن، مانند کلیه و کبد از همین ویژگی برخوردار است.<sup>۶</sup>

ج) زمان و مکان عامل تنبّه فقیه: سومین مفهوم نقش زمان و مکان در استنباط احکام

۱. صفار، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۱۴۸، ح ۷.

۲. جیزانی، معالم الاصول الفقه عند اهل السنة والجماعة، ص ۳۶۰.

۳. مکارم شیرازی، بحوث فقهیه هامه، ص ۲۴۸-۲۵۳.

۴. موسوی، محمد، منهج الفقه الاسلامی فی المسائل المستحدثه، ص ۳۰۳.

۵. همان، ص ۳۰۵.

الهی این است که زمان و مکان، فقیه را متوجه مسائل جدید کند و در اثر این توجه، برای او فضای جدیدی باز شود و تحول اندیشه پیدا کند. اگر تحصیل دانش در گذشته واجب کفایی محسوب می‌شد، ممکن است فقیهی با توجه به زمان و مکان و شرایط خاص، آن را واجب عینی بداند.<sup>۱</sup> ابن‌قیم که سه طلاق در یک مجلس را بر خلاف مشهور اهل سنت، طلاق واحد می‌شمارد، کار عمر بن خطاب مبنی بر امضای سه طلاق را با تغییر زمان چنین توجیه می‌کند که کار عمر جنبه بازدارندگی داشت تا مردم از طلاق مکرر خودداری کنند؛ زیرا ازدواج زن مطلقه به طلاق سوم با محلل برای مردم گران تمام می‌شد، ولی امروزه که زمان متحول شده، حکم طلاق سه‌گانه مطابق زمان رسول‌الله (ص) که یک طلاق به حساب می‌آمد، باز گردد.<sup>۲</sup>

یکی از اندیشمندان اهل سنت نیز در پژوهش‌های خویش به زمان و عرف توجه داده، فتوا در نوازل را بر چهار قاعده استوار می‌داند:

- قاعده تغیر فتوا به تغییر زمان: مؤسس این قاعده را عمر بن خطاب می‌داند که سهم «مؤلفه قلوبهم» از صدقات راه، با اینکه در قرآن آمده، به آنان نداد و گفت عزت اسلام محرومیت آنان را از این سهم اقتضا می‌کند.

- قاعده عرف: آن را اصلی از اصول فتوا می‌داند و از ابن‌عابدین نقل می‌کند که «لیسَ للمُفتیِّ ولا للِقاضیِّ أن یحکُمَا بظاهر الروایة و یترکا العرف».

- قاعده نظر به مآلات اقوال و افعال.

- قاعده تحقیق مناظ در اشخاص و انواع.<sup>۳</sup>

## ۶-۷. حقیقی بودن قضایای شرعی

مهم‌ترین نکته‌ای که در بررسی مسائل مستحدثه یا نوازل کارآمدی دارد، حقیقی بودن قضایای شرعیه است. به عبارت دیگر، قضایای خارجی اند یا حقیقی و در قضایای خارجی حکم روی افراد موجود فعلی می‌رود و ربطی به افراد گذشته یا آینده ندارد؛ از

۱. همان، ص ۲۵۳.

۲. ابن‌قیم، اعلام الموقّعیین، ج ۳، ص ۴۸.

۳. ابوملیح محمد، بحوث ندوة فقه النوازل و تجدید الفتوی، ص ۳۰۷-۳۰۹.

این رو در دستور «دانشمندان را گرامی بدار»، فرمان وجوب احترام مخصوص اندیشمندان موجود است، نه غایبان یا آنانی که در آینده دانشمند می‌شوند. اما بخش عظیم قضایا، به‌ویژه قضایای اعتباری، حقیقه هستند که در آنها حکم روی تمام افراد، اعم از موجود و آینده و گذشته و حتی فاقد مصداق، می‌رود. بیشتر احکام شرعی قضایای حقیقه‌اند. بنا بر این، فرمان قرآن کریم که «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»<sup>۱</sup> یا فرموده پیامبر (ص) که «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ»<sup>۲</sup> قضایای حقیقه‌اند که شامل مصادیق عقدهای زمان صدور، این زمان و زمان‌های بعد تا واپسین روز عالم خواهند شد؛ هرچند مصداق‌ها دچار تحول شده باشند.<sup>۳</sup>

قضایای حقیقی و خارجی دو تفاوت اساسی دارند: ۱. در قضایای حقیقی فعلیت حکم همزمان و مقارن با وجود موضوع نیست، بلکه مرحله انشا با مرحله فعلیت می‌تواند در دو زمان تحقق پیدا کند، مثلاً فعلیت نیافتن وصیت، یعنی تملیک بعد از موت، قبل از مرگ موصی از روشن‌ترین مصداق‌های قضیه حقیقی است؛ ولی در قضایای خارجی فعلیت حکم، همزمان با وجود موضوع است. ۲. فعلیت حکم در قضایای خارجی منوط و متوقف بر وجود خارجی موضوع است، نه وجود علمی آن؛ یعنی اگر کسی به اشتباه، علم به موضوع حکم داشته باشد (علم خلاف واقع به استطاعت)، این حکم جنبه اجرایی پیدا نمی‌کند و فعلی نمی‌شود، برخلاف قضایای حقیقی که در آنها حکم متوقف بر وجود خارجی نیست.<sup>۴</sup>

بنابراین با توجه به نکاتی که ارائه شد، هنگامی که فقیه امامی به نوازل برمی‌خورد، یکی از مراحل یا هر سه مرحله زیر را پشت سر می‌گذارد:

۱. ماده: ۱.

۲. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۳۷۱، ح ۱۵۰۳.

۳. مکارم شیرازی، بحوث فقهیه هامه، ص ۲۵۴-۲۵۵.

۴. موسوی، سید علی عباس، فقه المسائل المستحلته، ص ۳۳.

### الف) تطبیق عناوین و عمومات نخستین

با توجه به اینکه از یک طرف نوازل به دلیل مورد ابتلا نبودن در زمان صدور نص، فاقد دلیل خاص‌اند<sup>۱</sup> و از طرف دیگر، کمال شریعت اسلام اقتضا می‌کند که برای هر پدیده و حادثه دستوری وجود داشته باشد، چاره‌ای نیست جز اینکه احکام نوازل را از طریق تطبیق عمومات و قواعد اولیه بر حوادث جدید جست. عمومات نصوص، اطلاعات ادله لفظیه، قواعد فقهی جوشیده از متن نصوص و اصول معتبره این ظرفیت را دارند که تمام حوادث نوپیدا را پوشش دهند.

فرصت اندک، تحلیل و توضیح همه عناوین یادشده را غیر ممکن می‌سازد، از این رو تنها اشاره‌ای کوتاه به نحوه تطبیق برخی عمومات و دلایل لفظیه و قواعد صورت می‌گیرد.

### ساماندهی دلیل مشترک با الغای خصوصیت

نصوص متناهی و محدود و حوادث غیر محدود، این راه‌حل را تقویت می‌کنند که برای استخراج احکام نوازل، دلیل مشترکی ساماندهی شود که وقایع متعدد را پوشش دهد. به این معنا که الغای خصوصیت از نص وارده در کتاب و سنت، سبب می‌شود که نص مورد نظر تعمیم یابد و نوازل را نیز پوشش دهد. چنین تعمیمی مبتنی بر ادوات عموم یا اطلاق مقامی یا اطلاق لفظی، که مبنای مشهور اصولیان، است، نخواهد بود بلکه تعمیم با لغو خصوصیت صورت می‌گیرد که انواع مختلفی دارد.

#### ۱. تنقیح مناط

تنقیح مصدر «نَقَّحَ» به معنای تلخیص و تهذیب و در اصطلاح به معنای ملغای کردن بعضی اوصاف غیر لازم در اعتبار علتی است که از سوی شارع برای حکم اضافه شده است.<sup>۲</sup> برخی «حذف بعضی از اوصاف که عدم مدخلیتش معلوم باشد و تعلیل به

۱. مکارم شیرازی، بحوث فقهیه هامه، ص ۲۳۸.

۲. هلال، هشتم، معجم مصطلح الأصول، ص ۱۰۱.

باقی<sup>۱</sup> را تنقیح مناط می‌گویند. عالم حنبلی تنقیح مناط را چنین تعریف می‌کند: «أن یضیف الشارح الحکم إلی سببه فتقرن به أوصاف لا مدخل لها فی الاضافة فیجب حذفها عن الاعتبار لیتسع الحکم»<sup>۲</sup>. سپس برای آن داستان اعرابی‌ای را مثال می‌آورد که خدمت رسول خدا (ص) رسید و گفت: «هلکتُ یارسول الله». حضرت پرسید: «وَمَا أَهْلُکَ؟». گفت: «در روز رمضان با همسر همبستر شدم». حضرت فرمود: «اگر می‌توانی بنده‌ای آزاد کن، اگر نه دو ماه روزه بگیر، اگر نه شصت فقیر را سیر کن و اگر نه «أَذْهَبَ فَأُطْعِمَهُ أَهْلُکَ»<sup>۳</sup>. ابی‌هریره ناقل این روایت است که مضمونش در بیشتر منابع حدیثی عامه و امامیه<sup>۴</sup> انعکاس یافته است. حکم کفاره به مرد اعرابی (شأن صدور) اختصاص ندارد، بلکه حکم درباره واقعه در روز رمضان است؛ از هر مکلفی که صورت گیرد.<sup>۵</sup> همچنین رضانی که واقعه در آن صورت گرفته، خصوصیت ندارد، بلکه در هر روز از هر ماه رضانی که چنین کاری انجام شود، کفاره واجب است.<sup>۶</sup>

اصطلاح تنقیح مناط، نزد اهل سنت و امامیه متفاوت است؛ زیرا این روش جز افاده ظن نمی‌کند و امامیه برای قیاس مفید ظن اعتبار قائل نیستند. از این رو امامیه به تنقیح مناط‌هایی اعتبار می‌دهند که به کمک قرائن خارجی به عدم دخالت خصوصیت، مفید علم باشند.<sup>۷</sup> البته میان فقهای امامیه در حجیت تنقیح مناط از نظر صغروی اختلاف است. برخی به تنقیح مناط استدلال می‌کنند و برخی دیگر آن را همان قیاس ظنی می‌دانند.<sup>۸</sup> قیاس منصوص العله که به شکل اول قیاس منطقی منتهی می‌شود، مانند «الخمیر حرامٌ لآنّه

۱. فاضل تونی، الوافیة فی أصول الفقه، ص ۲۳۸.

۲. ابن قدامه، روضة الناظر و جنة المناظر فی أصول الفقه علی مذهب الامام احمد بن حنبل، ص ۱۶۱.

۳. مسلم، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۸۱، ح ۱۱۱۱.

۴. کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۴۷۷، ح ۶۳۷۳.

۵. ابن قدامه، روضة الناظر و جنة المناظر فی أصول الفقه علی مذهب الامام احمد بن حنبل، ص ۱۶۱.

۶. بحرانی، الحدائق الناظرة، ج ۱، ص ۵۶.

۷. موسوی، سید علی عباس، فقه المسائل المستحدثة، ص ۷۴.

۸. همان.

مُسْکِرٌ» که از آن «الْخَمْرُ مُسْکِرٌ وَ كُلُّ مُسْکِرٍ حَرَامٌ» تولید شود، نزد بسیاری دارای اعتبار است؛<sup>۱</sup> ولی تعمیم حکم منصوص العله در غیر مورد آن محل اختلاف است.<sup>۲</sup>

## ۲. تعمیم استدلال به الغای خصوصیت

الغای خصوصیت‌های سؤال‌کننده و مورد سؤال و واقعه، در صورتی که عدم دخالت آنها معلوم باشد، اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا اگر خصوصیات سائل، واقعه و مورد در روایات لحاظ شود، حکم کلی مسئله شرعی جز در چند مورد به اثبات نخواهد رسید.<sup>۳</sup> الغای خصوصیت سائل در برخی روایات جای تردید نیست،<sup>۴</sup> ولی درباره برخی از سائلان، مانند بُرَيْدِ الْعَجَلِيّ که از ابی‌عبدالله(ع) می‌پرسد: «سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ اسْتَوْدَعَنِي مَالًا، فَهَلْكَ وَ لَيْسَ لَوْلَدِهِ شَيْءٌ، وَ لَمْ يَحُجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ؟ قَالَ: حُجَّ عَنْهُ، وَ مَا فَضَّلَ فَأَعْطَاهُمْ»،<sup>۵</sup> برخی اطلاق روایتش را نمی‌پذیرند و آن را مخصوص او و اذن ویژه حضرت می‌دانند.<sup>۶</sup> در پاسخ گفته شده:

ففيه أنَّ الظاهرَ من الخبر المذكور بل و سائر الأخبار الواردة في الأحكام إنما هو إفادة قانونٍ كليٍّ و حكمٍ عامٍ، و هو هنا بيانُ حكمِ الحجِّ الودعيِّ مطلقاً- بُرَيْدًا أَوْ غَيْرِهِ - بالقيود التي تضمنها الخبر، و لو خصت الجوابات الخارجة عنهم(ع)، بأشخاص السائلين لم يمكن أن يستنبط من أخبارهم حكمٌ عامٌ إلَّا نادراً.<sup>۷</sup>

بنابراین با الغای خصوصیت سائل، اطلاق نص ثابت خواهد شد، یعنی هر کس که امانتی از میت در اختیارش باشد و بداند او حج انجام نداده، می‌تواند از سوی او حج انجام دهد.

۱. همان، ص ۷۲ و ۷۹-۸۴.

۲. همان.

۳. بحرانی، الحقائق الناظرة، ج ۱، ص ۵۶.

۴. موسوی، السيد علی عباس، فقه المسائل المستحدثة، ص ۷۴.

۵. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۰-۳۱۱، ح ۷۰۷۲.

۶. موسوی، سید علی عباس، فقه المسائل المستحدثة، ص ۷۵.

۷. بحرانی، الحقائق الناظرة، ج ۱۴، ص ۲۸۰.

نسبت به الغای خصوصیت مورد سؤال نیز طبق حدیثی، علی بن جعفر از برادرش امام کاظم (ع) درباره وضو با آب قلیلی که ذرات خون بینی در آن ترشح کرده، سؤال می‌کند و امام با عبارت «إِنْ لَمْ يَكُنْ شَيْءٌ يَسْتَبِينُ فِي الْمَاءِ، فَلَا بَأْسَ؛ وَإِنْ كَانَ شَيْئًا بَيْنًا، فَلَا يَتَوَضَّأُ مِنْهُ»<sup>۱</sup> مورد سؤال را به خون بینی اختصاص می‌دهد؛<sup>۲</sup> صاحب حدائق همان پاسخ را می‌آورد و مورد را مخصّص نمی‌شمارد.<sup>۳</sup>

الغای خصوصیت واقعه نیز مورد توجه فقها بوده است. در حدیثی که از امام رضا (ع) درباره سر برداشتن از رکوع قبل از امام جماعت سؤال شده، آمده است: «يُعِيدُ رُكُوعَهُ مَعَهُ».<sup>۴</sup> طبق این روایت خصوصیت رکوع را نادیده گرفته و آن را به هر عملی که پیش از امام انجام شود، تعمیم داده‌اند.<sup>۵</sup> برخی حتی عدم ظهور خصوصیت مورد را در تعمیم کافی می‌دانند.<sup>۶</sup>

### ۳. استدلال به اولویت عرفی

تمسک به اولویت عرفی یا همان فحوی الخطاب یا مفهوم موافق، یکی دیگر از راه‌های استنباط حکم نوازل است که بسیاری از فقها به آن استدلال کرده‌اند. مفهوم موافق عبارت است از «مدلول لفظ در محل سکوت موافق مدلول آن در محل نطق».<sup>۷</sup> روشن‌ترین مثال آن شاید آیه «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌّ»<sup>۸</sup> باشد که حرمت اذیت و آزار والدین را به اولویت عرفی ثابت می‌کند؛ زیرا با الغای خصوصیت مورد (تأفیف)، آنچه

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۱۳، ح ۱۴۴۶.

۲. موسوی، سید علی عباس، فقه المسائل المستحدثه، ص ۷۵.

۳. بحرانی، الحدائق الناظره، ج ۱، ص ۳۳۱.

۴. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۹۵، ح ۱۱۷۳.

۵. موسوی، سید علی عباس، فقه المسائل المستحدثه، ص ۷۸.

۶. بحرانی، الحدائق الناظره، ج ۱۴، ص ۲۸۱.

۷. هلال، هیثم، معجم مصطلح الأصول، ص ۳۱۵.

۸. اسراء: ۲۳.



مسکوت گذاشته شده (ضرب و شتم) سزاوارتر به تحریم است.<sup>۱</sup> دلیل حجیت اولویت عرفی همان دلیل حجیت ظهور است،<sup>۲</sup> هر چند دیدگاه اندیشمندان امامیه در این مورد هماهنگ نیست.<sup>۳</sup>

#### ۴. استدلال به مناسبت حکم و موضوع

یکی دیگر از اموری که فقهای امامیه در مواردی برای الغای خصوصیت نص به آن استدلال کرده و حکم را به غیر مورد تعمیم داده‌اند، مناسبت حکم و موضوع است. پاسخ امام (ع) به پرسش درباره حداقل ذکر رکوع و سجود برای مریض «تسبیحه واحده»<sup>۴</sup> است؛ تناسب حکم و موضوع اقتضا می‌کند که در هر شرایط اضطراری دیگر نیز تسبیحه واحده کافی باشد.<sup>۵</sup> چنانکه می‌توان حلیت فروش اعضای بدن مانند کلیه، کبد و قرنیه چشم که در گذشته به سبب مالیت نداشتن این موارد، حرام بود را به مناسبت حکم و موضوع که منافع مهمی دارد- مثل اینکه به افراد حیات دوباره می‌بخشد- تجویز کرد.

همچنین می‌توان خصوصیت حکمی که بر موارد متعدد وارد شده یا به عناوین طریقی (نه موضوعی) استدلال شده را ملغا و با تعمیم نص، حکم مسائل مستحدثه را استخراج کرد.<sup>۶</sup>

#### ب) تطبیق قواعد اولیه احکام بر نوازل

دومین مرحله و چگونگی استنباط حکم مسائل جدید، می‌تواند تطبیق قواعد احکام اولی بر مسائل مستحدثه باشد؛ یعنی پس از تشخیص موضوع و نکات مقدماتی، که

۱. امیرالصنعانی، أصول الفقه المسمی إجابة السائل شرح بغیة الأمل، ص ۲۴۱.

۲. موسوی، سید علی عباس، فقه المسائل المستحدثه، ص ۷۸.

۳. ر.ک: همان، ص ۷۸-۹۱.

۴. کلینی، الکافی، ج ۶، ۱۹۳، ح ۵۰۵۲.

۵. موسوی، سید علی عباس، فقه المسائل المستحدثه، ص ۹۶-۹۸.

۶. همان، ص ۹۸-۹۹.

اشاره شد، قواعد احکام اولیه را با توجه به مناسبت حکم و موضوع، ملاک اهم و مهم، تغییر ملاک حکم یا تغییر عرفی موضوع بر مصادیق نوازل تطبیق داد یا به ملاحظه شواهد و قرائن، حکم جدیدی را احراز کرد.

### تطبیق و عدم تطبیق اطلاقات

به باور تمام مذاهب، بخش عمده ادله احکام را عموماً و اطلاقات کتاب و سنت تشکیل می‌دهد. همان‌گونه که تطبیق آنها در حال عادی با شرایط و ضوابط صورت می‌گیرد، بی‌تردید تطبیق آنها در نوازل نیز از دقت بیشتر و حساسیت فزون‌تری برخوردار است؛ از این رو یکی از شرایط مهم بهره‌گیری از اطلاق دلیل، فراهم بودن «مقدمات حکمت» است. احراز در مقام بیان بودن شارع (متکلم)، نبود قرینه حالیه و مقالیه در مقام تخاطب و عدم انصراف مطلق به بعضی افراد، سه عنصر مورد قبول مقدمات حکمت نزد فقهای امامیه محسوب می‌شود؛ ولی عنصر چهارم، یعنی عدم قدر متقین در تخاطب، مورد اختلاف است و برخی فقها آن را شرط نمی‌دانند. در عین فراهم بودن مقدمات حکمت، زمینه تمسک به اطلاق در نوازل گاهی فراهم می‌شود، نه همیشه.

#### ۱. تغییر کاربری

با فراهم بودن مقدمات حکمت، جریان اطلاق در مواردی نادرست است؛ به این معنا که با اطلاق آیه شریفه خمس،<sup>۱</sup> نمی‌توان اثبات کرد که امروزه نیز چهارپنجم خُمس غنایم جنگی از آن جنگجویان است؛ زیرا در زمان نزول آیات الهی و پیامبر(ص)، ابزار جنگی مانند شمشیر، سپر، مرکب و مخارج معیشت جنگجویان بر دوش خودشان بود. به همین جهت به رزمنده سواره دو سهم و به پیاده یک سهم اختصاص می‌یافت، در حالی که امروزه همه مخارج جنگ، اعم از آلات جنگی و تأمین امکانات رفاهی سربازان، بر دوش دولت است. گذشته از آن، غنایم جنگی امروزی

توپ و تانک است که برای سرباز کاربردی ندارد. بنابراین با تغییر مفهوم کاربری «جهادگران»، که جهاد با مال و جان بود و اکنون تنها جهاد با جان است، نمی‌توان به اطلاق آیه استدلال کرد.

## ۲. پیوند اعضا با تمسک به اطلاق

امروزه پیوند اعضای فرد متوفا به فرد زنده از نوازل شایع به شمار می‌رود. دلیل حرمت پیوند «اجماعی بودن دفن میت»<sup>۱</sup> است و اعضای بدن متوفا جزء همین بدن به شمار می‌رود؛ یعنی اطلاق این گزاره فقهی مانع است که عضوی را از میت بردارند و به فرد زنده پیوند زنند؛ همچنین نجاست عضو جداشده جلو جواز پیوند را می‌گیرد. پاسخ این است که اطلاق وجوب دفن میت در صورتی مانع ایجاد می‌کند که همچنان عنوان میت بر آن عضو صدق کند، در حالی که عضو مورد نظر با پیوند دوباره جان می‌گیرد، خون و حیات در آن جریان می‌یابد و از تحت عنوان «میت» خارج می‌شود.

همچنین اهدای اعضای متوفا به فرد نیازمند نه تنها مشروع است، بلکه احسان و ایثار محسوب می‌شود؛ زیرا حرمت قطع اعضای بدن به دلیل «احترام ذاتی انسان» است و این احترام وقتی با مردن هدر می‌رود (انتفای موضوع)، اهدای آنها با وصیت متوفا، جواز پیدا می‌کند. این کار که جان انسان دیگری را نجات می‌دهد، در اثر عموم آیه «وَيُؤْتِرُونَ عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ...»<sup>۲</sup> عنوان ایثار پیدا می‌کند.<sup>۳</sup>

## ۳. اطلاقات و ذبح‌های صنعتی

ذبح ماشینی و اتوماتیک حیوانات، که از پدیده‌های جدید محسوب می‌شود، از دو جهت سؤال‌برانگیز است؛ ۱. مباشرت انسان در ذبح و ۲. بردن نام خدا. در کشتارهای صنعتی هر دو جهت به طور مباشر وجود ندارد، در حالی که آیات شریفه ۳ مائده و ۱۱۸ انعام تذکیه و تسمیه را از ارکان مهم ذبح می‌دانند. اطلاق هر دو آیه شرعی بودن

۱. عاملی، مدارک الأحکام، ج ۲، ص ۱۳۳.

۲. حشر: ۹.

۳. فضل الله، فقه الحیاة، ص ۱۶۰.

کشتارهای صنعتی را اثبات می‌کند؛ زیرا با اینکه در این کشتارها نقش ابزار صنعتی روشن است، ذبح یا نتیجه آن، اولاً به انسان نسبت داده می‌شود و عنوان «ذکیتُم» صادق است و ثانیاً ذکر تسمیه همزمان با بریدن اوداج اربعه از سوی کسی که دکمه دستگاه را می‌زند، کافی است و اطلاق «تسمیه» تحقق می‌یابد.<sup>۱</sup>

### ج) تطبیق عناوین ثانوی بر نوازل

عنوان ثانوی، یعنی «وصف ثابت برای چیزی به لحاظ عوارض خارجی»، در مقابل عنوان اولی (وصف ثابت برای چیزی صرف نظر از عوارض خارجی) به کار می‌رود و به عنوان وصفی‌ای گفته می‌شود که با ملاحظه عوارض خارج از ذات موضوعات و اشیا برای آنها ثابت می‌شود، مانند عُسر و حرج و اضطرار.<sup>۲</sup>

اهمیت عناوین ثانویه در استخراج احکام نوازل نه تنها کمتر از عناوین اولیه نیست، بلکه چند برابر می‌شود. تمسک به عناوین ثانوی از زمانی آغاز می‌شود که حکم اولی موضوعات با برخی عناوین ثانوی که بر مسائل جدید تطبیق می‌کند، اصطکاک می‌یابد.<sup>۳</sup> برخی رؤوس این عناوین عبارت‌اند از: اضطرار، ضرر بر نفس، اضرار بر غیر، عسر و حرج شدید، مقدمه واجب، مقدمه حرام، اعانه بر واجب شرعی (تعاون بر بر)، اعانه بر ظلم (تعاون بر ظلم)، قاعده اهم و مهم، نذر، عهد و قسم.<sup>۴</sup> فقیه پس از تشخیص موضوع جدید، حل آنها را از طریق این عناوین جویا می‌شود.

#### ۱. تقدم اهم بر مهم

شرایط زندگی بشر به تبع پیشرفت علم و توسعه تکنولوژی همواره در حال تحول است، به گونه‌ای که زندگی ده سال پیش با زندگی امروز قابل مقایسه نیست. امروزه امکانات متنوع و ماشینی، تعامل سریع و حیرت‌انگیز از امور عادی زندگی بشر به

۱. ر.ک: هاشمی شاهرودی، مقالات فقهیه، ص ۹.

۲. فرهنگ نامه اصول فقه، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ص ۵۹۴-۵۹۵.

۳. موسوی، سید علی عباس، فقه المسائل المستحدثه، ص ۱۷۵.

۴. مکارم شیرازی، بحوث فقهیه هامه، ص ۲۶۰.

حساب می‌آیند و هر کدام فقه خود را می‌طلبند. یکی از اموری که جزء نوازل قلمداد می‌شود، تخریب منازل و مقابر مردم بدون رضایت آنها برای توسعه خیابان‌ها است با اینکه تصرف بدون اجازه آنان جواز شرعی و عقلی ندارد.<sup>۱</sup> وقتی ضرورت استفاده از امکانات روز و با عزت زندگی کردن مسلمانان از یک سو و عدم تجویز تخریب خانه‌ها و مقابر مسلمانان از سوی دیگر اصطکاک پیدا کند، قاعده اهم و مهم حکم می‌کند که برای حفظ عزت مسلمانان، با جبران خسارت، خانه‌ها تخریب شوند؛ زیرا با توسعه جاده‌ها و خیابان‌ها، عزت و آبروی مسلمانان (اهم) محفوظ<sup>۲</sup> و بر رفاه عمومی افزوده می‌شود.

## ۲. ضرورت یا مصلحت تشریح

پدیده تشریح بدن از پرچالش‌ترین مباحث روز در فقه سنی و شیعه به حساب می‌آید. تشریح به سه منظور صورت می‌گیرد: ۱. آموزش و تمرین دانشجویان پزشکی (تشریح تعلیمی)؛ ۲. کشف جنایت و فهم علت مرگ (تشریح جنایی)؛ ۳. کشف بیماری متوفا.

در میان اهل سنت سه دیدگاه درباره تشریح آموزشی وجود دارد: ۱. جواز مطلق؛ ۲. منع و حرمت مطلق؛ ۳. تفصیل میان جسد مسلمان و غیر مسلمان. دیدگاه سوم را علمای سعودی به این دلایل تأیید کرده‌اند که اولاً غیر مسلمان با کفرش به خود توهین کرده و احترام خویش را زیر پا گذاشته است؛ از این رو تشریح جسدش که دارای کرامت نیست، با توجه به شرایطی چون اکتفا به اندازه ضرورت و دفن بدن جایز است، برخلاف مسلمان که کرامت او مانع تشریح بدنش می‌شود. ثانیاً نیاز و ضرورت اقتضای این کار را دارد. ثالثاً جسد کفار را می‌شود با کمترین قیمت خرید و تشریح کرد؛ بنابراین نزد متأخران اهل سنت، تشریح بدن مسلمان جایز نیست.<sup>۳</sup>

۱. روحانی، المسائل المستحدثة، ص ۱۰۲.

۲. مکارم شیرازی، بحوث فقهیه هامه، ص ۲۶۲-۲۶۳.

۳. مشیقح، فقه النوازل فی العبادات، بخش ۱، ص ۶۳.

در میان فقهای امامیه، برخی حکم اولی تشریح جسد مسلمان و کافر ذمی (نه حربی) را حرمت؛<sup>۱</sup> ولی حکم ثانوی تشریح بدن مسلمان را به دلیل ضرورت، در صورت فراهم بودن شرایط، جواز می‌دانند. آنان انجام تشریح به هدف آموزش پزشکی از باب وجوب مقدمه حفظ نفس محترم، فقدان جسد کافر حربی و ذمی و اکتفا به مقدار لازم را شرایط سه‌گانه لازم برای جواز تشریح بدن مسلمان دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

تشریح جنایی را جمهور فقهای اهل سنت، مانند مجمع فقهی مکه و علمای سعودی و مصر، به دلیل تقدم مصلحت مهم‌تر بر مصلحت شخصی یا به دلیل دفع مفسده، جایز می‌دانند.<sup>۳</sup>

تشریح برای کشف علت بیماری و جلوگیری از شیوع آن، به دلیل وجود غرض عقلایی و صحیح و نیز تقدم مصالح عامه بر مصالح خاصه (متوفا) جایز است.<sup>۴</sup>

### ۳. قاعده لاضرر و کارآمدی آن

یکی از کارآمدترین قواعد فقهی و مورد قبول سنی و شیعه، قاعده لاضرر است که می‌تواند در عرصه‌های مختلف نقش‌آفرینی کند. یکی از مصادیق نوازل را می‌توان ضررهای شخصی‌ای دانست که منشأ و سرچشمه ضررهای اجتماعی و حتی امنیتی می‌شوند. از مباحث مهم روز و مسائل جدید این است که آیا ضررهای شخصی که ضررهای اجتماعی را ایجاد می‌کنند، مشمول این قاعده‌اند یا خیر. استفاده از دخانیات، مواد سُکرآور، تخدیرکننده‌ها و انرژی‌زاهای کاذب، علاوه بر ضررهای جانی و شخصی، زیان‌های اجتماعی متعددی به بار می‌آورند، از جمله ایجاد انحراف و اعتیاد در دیگران، از هم پاشاندن خانواده‌ها، ایجاد ناامنی، سرقت، تضييع نیروی فعال انسانی، صرف هزینه‌های نگهداری و درمانی از منابع ملی.

۱. ر.ک: مکارم شیرازی، بحوث فقهیه هامة، ص ۳۱۶-۳۲۰.

۲. ر.ک: همان، ص ۳۲۰ و ۳۲۱.

۳. المشیق، فقه النوازل في العبادات، بخش ۱، ص ۶۴.

۴. همان.

تردید نیست که استفاده از هر چیز سُکرآور حرام است؛<sup>۱</sup> ولی نه به اعتبار قاعده لاضرر، بلکه به اعتبار حدیث نبوی: «كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ».<sup>۲</sup> هرچند در صحت روایت، اتفاق علمای مسلمین ادعا شده، در تفسیر آن اختلاف نظر وجود دارد؛ علمای حجاز و اهل حدیث جنس مسکر بودن را مقصود می‌دانند.<sup>۳</sup>

درباره حکم شرعی اموری مانند بَنگ، تریاک، دخانیات و مواد تخدیرکننده، نظر هماهنگی وجود ندارد. گروهی از عالمان اهل سنت با استناد به قاعده لاضرر، «ضرر زدن» را حرام و ممنوع می‌دانند و تصریح می‌کنند که نوشیدن بَنگ، خوردن خاک، تریاک آب بینی و آب دهان هرچند پاک، حرام است و از منافع جزئی آنها چشم‌پوشی می‌شود. در مجموع، اگر ضرر آنها به اثبات برسد، فتوا به حرمت آنها داده می‌شود.<sup>۴</sup> البته امروزه ضررهای ناشی از امور یادشده، هم برای شخص و هم برای جامعه واضح و روشن است و آثار منفی و مخرب آن دیر یا زود بر جان و مال و آبروی شخص و جامعه آشکار می‌شود.

برخی از فقهای امامیه استفاده از اشیایی که برای بدن و سلامتی انسان زیان‌آور باشند را حرام می‌دانند: «الأشياء الضَّارَّةُ بِالْبَدَنِ حَرَامٌ، سَوَاءٌ كَانَ الضَّارُّ قَاتِلًا كَالسُّمُومِ أَوْ مُضِرًّا مَفْسِدًا لِمَزَاجِ الْبَدَنِ، فَمَا كَانَ قَلِيلًا وَ كَثِيرُهُ ضَارًّا حَرْمٌ مُطْلَقًا، وَمَالِمَ يَكُنْ كَذَلِكَ قُدْرًا تَحْرِيمُهُ بِتَقْدِيرِ الْأَضْرَارِ بِحَسَبِ غَلْبَةِ الظَّنِّ فِي إِيِّ وَجْهِ كَانِ».<sup>۵</sup>

بنابراین تطبیق عناوین ثانویه می‌تواند بخش بزرگی از مسائل مستحدثه را پوشش دهد؛ البته دایره شمول آن به درایت و تیزبینی فقیه بستگی دارد.

## ۷. روش بررسی نوازل در اهل سنت

۱. اردبیلی، محقق، مجمع الفائدة والبرهان، ج ۱۱، ص ۱۹۴؛ سرخسی، المبسوط، ج ۲۵، ص ۱۳-۱۴.

۲. مسلم، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۸۵، ح ۲۰۰۲.

۳. ابن‌عبدالبر، الاستذکار الجامع لمذاهب الفقهاء الامصار، ج ۸، ص ۲۳.

۴. ابن‌الشاطب، الفروق، ج ۱، ص ۲۲۰.

۵. سبزواری، کفایة الاحکام، ص ۲۵۱؛ مراغی، العناوین، ص ۳۱۵.

هرچند اهل سنت در فقه نوازل به دلایلی پیشینه بیشتری دارند، فقهای آنان در استنباط حکم نوازل اختلاف نظر دارند و از سه روش متفاوت «تضییق و تشدید»، «تساهل و تیسیر» و «متوسط و اعتدال»<sup>۱</sup> بهره می‌گیرند. روش سوم به لحاظ همسویی با محتوای شریعت میانه، طرفداران بیشتری دارد. در این روش، گذشته از اینکه فقیه موظف به رعایت شرایط و ضوابط پیش از بیان حکم نازله است،<sup>۲</sup> اصول یا مراحل زیر نیز باید در فرایند استنباط حکم نوازل مد نظر باشند:

- اجتهاد حکم شرعی نازله بر اساس روش معهود فقهی: در این مرحله باید سه نکته اساسی رعایت شود: ۱. بررسی کارآمدی طرق استنباط متداول و تطبیق آن بر نازله، اعم از قیاس، تخریج اقوال پیشوایان علم و اجماعات؛ ۲. تبیین حکم اباحه برای نازله‌ای با پیامدهای منفی و محظورات و حکم حرمت برای نازله‌ای با پیامدهای شر و فاسد؛ ۳. تبیین زمینه و فراهم‌سازی مقدمات پذیرش احکام نازله‌های بعید و دور از ذهن.<sup>۳</sup>

- رعایت مقاصد شرعی: در این مرحله پس از تطبیق دلایل احکام عمومی بر نوازل، در صورت مطابقت نداشتن یا تعارض دلایل، به‌ناچار از مقاصد شرع (اهداف نهایی برای تحقق مصالح عباد) بهره گرفته می‌شود و مصالح عباد، از طریق قیاس، استصلاح، استحسان یا عرف استخراج و بازخوانی می‌شود. اصولیان اهل سنت اموری چون اندراج مصلحت در ضمن مقاصد شریعت، عدم مخالفت با نصوص، قطعی یا ظن غالب بودن مصلحت، کلی بودن مصلحت و منافات نداشتن مصلحت با مصلحت اهم یا مساوی را از ضوابط بهره‌گیری از مقاصد شریعت می‌شمارند.<sup>۴</sup>

- توجه به فقه نوازل ناشی از محیط: در صورتی که خاستگاه نوازل، تغییر زمان و مکان و حالات مکلفان باشد، پژوهشگر فقهی اهل سنت موظف است احکام آنها را با

۱. ر.ک: قحطانی، ضوابط الفتیا فی النوازل المعاصره، ص ۲۶-۴۲.

۲. همان.

۳. همان؛ مسلم، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۸۵، ح ۲۰۰۲.

۴. قحطانی، ضوابط الفتیا فی النوازل المعاصره، ص ۴۹ و ۵۰.



توجه به مؤلفه‌های زمانی، مکانی و احوال عباد تبیین غیرسخت‌گیرانه کند. تجویز بستن درهای مساجد در غیر اوقات نماز به دلیل شیوع سرقت یکی از موارد تغییر محیط نازل است.<sup>۱</sup>

- رعایت عادات و عرف: با توجه به اینکه عادات و عرف نقش مهمی در فقه اهل سنت ایفا می‌کند، حکم بسیاری از نوازل چون سن حیض، بلوغ، انزال، افعال مناقض نماز و نجاسات معفو‌عنه، برابر با عادات جامعه و عرف مخاطبان بررسی و تحلیل می‌شود.<sup>۲</sup>

بنابراین با توجه به تفاوت مبانی اهل سنت با امامیه، روش استنباط فقهی نوازل نیز متفاوت خواهد شد؛ هرچند به نظر می‌رسد که بررسی و تبیین احکام نوازل، با واکاوی مستوفی، دستیابی به روش‌های همسو را امکان‌پذیر می‌سازد.

### نتیجه‌گیری

اهمیت و ضرورت بحث از «نوازل» در اصطلاح اهل سنت یا «مسائل مستحدثه» در اصطلاح امامیه بر کسی پوشیده نیست. احکام نوازل با توجه به شرایط زمان و مکان، از نظر سادگی و پیچیدگی متفاوت است، محدود به زمان خاصی نمی‌شود و در آیین اسلام، از زمان پیامبر(ص) مطرح بوده است. دلیل عمده و اصلی ظهور و بروز نوازل و مسائل جدید را می‌توان رشد سریع و تحولات کیفی و کمی دانش بشر و توسعه نیازها در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دانست؛ به هر میزان که زندگی بشر دستخوش تحولات شود، به همان مقدار مسئله شرعی نو پدید می‌آید. پاسخ به همه سؤالات در ابعاد گوناگون، به‌ویژه در بُعد دینی، نه‌تنها ضروری است، بلکه برای رفع اتهام پاسخ‌گو نبودن دین، از واجبات به حساب می‌آید. اهل سنت و امامیه، به لحاظ اختلاف در مبانی، در بررسی و چگونگی دستیابی به حکم شرعی نوازل نیز اختلاف دارند. فقهای اهل سنت عمدتاً برای پاسخ به نوازل به قیاس، مصالح مرسله، استحسان و

---

۱. همان، ص ۵۶.

۲. همان، ص ۵۸.

عرف و عادت، با ضوابط تعریف شده خویش، مراجعه می‌کنند؛ اما فقهای امامیه بیشترین اهتمام را بر تطبیق ادله کلی، تطبیق قواعد اولیه، تنقیح مناط با فن الغای خصوصیت و تطبیق قواعد ثانویه بر نوازل می‌گمارند که به نظر می‌رسد هر دو گرایش فقهی در یک نقطه، یعنی تطبیق کلیات بر نوازل، به نظر مشترک می‌رسند.

## منابع

ابن تيميه، أحمد بن عبدالحليم (١٤١٠)، *زيارة القبور والاستنجد بالمقبور*، رياض: الإدارة العامة للطبع والترجمة، چاپ اول.

ابن ذكريا، احمد بن فارس (١٣٨٧)، *ترتيب مقاييس اللغة*، ترتيب و تنقيح علي العسكري و حيدر المسجدي، قم: مركز دراسات الحوزة و الجامعة.

ابن سعد، محمد (١٤٠٥)، *الطبقات الكبرى*، بيروت: دار بيروت للطباعة والنشر.

ابن عبد البر، يوسف بن عبدالله (١٤١٢)، *الاستيعاب في معرفة الأصحاب*، تحقيق على محمد البجاوي، بيروت: دار الجيل، چاپ اول.

ابن عبد البر، يوسف بن عبدالله (١٤١٤ق)، *الإستذكار، الجامع لمذاهب فقهاء الأمصار و علماء الأقطار فيما تضمنه المؤلفات من معاني الرأى و الآثار و شرح ذلك كله بالإيجاز و الإختصار*، توثيق اصول و تخريج نصوص و ترقيم مسائل عبدالمعطي أمين قلعي، قاهره: دارالوعى، چاپ اول.

ابن قيم الجوزية، محمد بن أبي بكر (١٤١٥)، *زاد المعاد في هدي خير العباد*، بيروت و كويت: مؤسسة الرسالة - مكتبة المنار الإسلامية، چاپ بيست و هفتم.

ابن قيم الجوزية، محمد بن أبي بكر (بي تا)، *اعلام الموقعين عن رب العالمين*، مقدمه، مراجعه و تعليق طع عبدالرئوف، بيروت: دار الجليل.

ابن محمد، بكر بن عبدالله بن محمد (١٤١٦)، *فقه النوازل*، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول.

ابن منظور (١٤٠٨)، *لسان العرب*، بيروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ اول.

ابن نجيم الحنفي، زين الدين بن ابراهيم، (بي تا)، *البحر الرائق شرح كنز الدقائق*، بيروت: دارالمعرفة.

ابن نجيم الحنفي، زين العابدين بن ابراهيم (١٤٠٠ق)، *الأشباه و النظائر*، بيروت: دارالكتب العلميه.

اردبيلي، محقق (١٤١٤)، *مجمع الفائدة والبرهان*، تحقيق اشتهاردي و ديگران، قم: جامعة المدرسين، چاپ اول.

اميرالصنعاني، محمد بن إسماعيل (١٩٨٦)، *أصول الفقه المسمى إجابة السائل شرح بغية الأمل*، تحقيق حسين بن أحمد السياغي و الدكتور حسن محمد مقبولي الأهدل، بيروت: مؤسسة الرساله، چاپ اول.

بحراني، يوسف (١٣٦٣)، *الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة*، قم: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة للمدرسين.

بخاری، محمد بن اسماعیل (١٤٢٢)، صحیح البخاری، محمد زهیر بن ناصر الناصر، بی جا: دار طوق النجاة، چاپ اول.

بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر (١٤١٧)، *جُمَل من انساب الأشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر، چاپ اول.

ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره (١٣٩٥)، *سنن الترمذی*، تحقیق و تعلیق ابراهیم عطوة عوض، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي، چاپ دوم.

جوهری، اسماعیل بن حماد (١٣٧٦)، *الصّحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، تحقیق احمد عبدالغفور عطّار، قاهره: دارالملايين، چاپ اول.

جیزانی، محمد بن حسین بن حسن (١٤٢٧)، *معالم أصول الفقه عند أهل السنة و الجماعة*، بی جا: دار ابن الجوزي، چاپ پنجم.

حکیم، محمدتقی (١٩٧٩م)، *الأصول العامّة للفقّه المقارن مدخل إلى دراسة الفقه المقارن*، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ دوم.

حمیش، عبدالحق بن احمد، «المدخل إلى فقه النوازل»: [www.islafaqh.com/nawazel/nawazeltam.aspx](http://www.islafaqh.com/nawazel/nawazeltam.aspx)  
روحانی، سید محمدصادق (١٣٩٣)، *المسائل المستحدثة*، بیروت: دارالزهراء للطباعة والنشر و التوزيع، چاپ دوم.

سبزواری، محقق (بی تا)، *کفایة الاحکام [حجری]*، اصفهان: مدرسه صدر مهدوی.

سرخسی، شمس الدین (بی تا)، *المبسوط*، تحقیق جمعی از علما، بیروت: دارالمعرفة.

شافعی، محمد بن ادريس (بی تا)، *الرسالة*، تحقیق و شرح احمد محمد شاکر، بیروت: دارالفکر.

شلتوت، محمود (١٤١١)، *الفتاوی دراسة لمشکلات المسلم المعاصر في حياته اليومية العامه*، قاهره: دارالشروق، چاپ هفدهم.

شیرازی، ابراهیم بن علی (١٤٠٥)، *اللمع في أصول الفقه*، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول  
صدوق، محمد بن علی بن بابویه (١٤١٣)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه (١٣٩٥)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: اسلامیة، چاپ دوم.

صفار، محمد بن حسن (١٤٠٤)، *بصائر الدرجات في فضائل آل محمد (ص)*، قم: مکتبه آية الله المرعشي النجفي، چاپ دوم.

اصل عدالت در معاهدات بين المللی از منظر مذاهب اسلامی / ۱۴۷

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷)، تهذیب الأحكام، تحقیق خرسان، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.

عاملی، السید محمد (۱۴۱۰)، مدارک الاحکام، قم: تحقیق و نشر مؤسسة آل البيت، چاپ اول.  
فاضل تونی، عبدالله بن محمد (۱۴۱۲)، الوافیة فی أصول الفقه، تحقیق السید محمد الرضوی کشمیری، قم: مجمع الفکر الاسلامی، چاپ اول.

فرهنگ نامه اصول فقه (۱۳۸۹)، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.

فضل الله، سید محمدحسین (۱۴۱۸)، حوار مع سماحة... فی فقه الحیة، احمد احمد و عادل القاضی، بیروت: مؤسسة العارف للمطبوعات، چاپ سوم.

فیومی، أحمد بن محمد بن علی (۱۴۲۵ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم: دارالهجره، چاپ سوم.

قحطانی، مسفر بن علی (بی تا)، ضوابط الفتیة فی النوازل المعاصرة، نرم افزاز الشاملة.  
قراfi، شهاب الدین ابی العباس الصنهاجی المشهور بالقراfi (بی تا)، الفروق، و یلیه: فهرس تحلیلی لقواعد الفروق، وضع: أ. د. محمد رؤاس قلعه جی، بیروت: دارالمعرفة (رحلی).

قلعه جی، محمد رؤاس و حامد صادق قنیزی (۱۴۰۸)، معجم لغة الفقهاء، بیروت: دار الفنائس، چاپ دوم.  
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹)، الکافی، قم: دارالحديث، چاپ اول.

مراغی، السید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷)، العناوین، قم: تحقیق و نشر مؤسسة النشر الاسلامی.  
مقدسی، عبدالله بن احمد بن قدامه (بی تا)، روضة الناظر و جنة المناظر فی أصول الفقه علی مذهب الإمام احمد بن حنبل، بیروت: دارالمطبوعات العربية للتألیف و الترجمة و النشر.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۲ق)، بحوث فقهية هامة، قم: مدرسة الامام علي بن ابي طالب (ع)، چاپ اول.  
موسوی، محمد (۱۴۳۰)، منهج الفقه الاسلامی فی المسائل المستحدثه، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.  
موسوی، السید علی عباس (۱۴۳۰)، فقه المسائل المستحدثه، قم: مرکز العلوم و الثقافة الاسلامیة، چاپ اول.  
موسی حسین، محمد صالح (۱۹۸۹)، الاجتهاد فی الشریعة الاسلامیة، مقدمه محمد سعید رمضان البوطی، دمشق: طلاس للدراسات و الترجمة و النشر، چاپ اول.

نیسابوری، مسلم بن الحجاج (بی تا)، صحیح مسلم، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقي، بیروت: دار إحياء التراث العربي.

- ابوملیح محمد، د. رجب (١٤٢٩)، بحوث ندوة فقه النوازل و تجديد الفتوي، مراجعة و تنسيق الحاج سليمان بن ابراهيم بابرير الوارحلاني، چاپ اول.
- هاشمي، السيد محمود (١٤١٧)، مقالات فقهيّه - بحوث استدلاليّة في قضايا فقهيّة معاصرة، بيروت: الغدير للطباعة والنشر و التوزيع، چاپ اول.
- هاشمي شاهرودي، سيد محمود (١٣٨٢)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بيت(ع)، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلام، چاپ اول.
- هلاله هيثم (١٤٢٤)، معجم مصطلح الأصول، مراجعة و توثيق محمد التنوخي، بيروت: دارالجليل، چاپ اول.
- هندي، علي المنتقي (١٤٠٩)، كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، ضبط و تصحيح الشيخ البكري حيّاني و الشيخ الصفوة السقا، بيروت: مؤسسة الرساله.